



مهار تورم



Oct Nov Dec Jan Feb Mar Apr May

رکود تورمی

رکود تورمی یا افت عرضه؟

در پاسخ به این سوال که آیا اقتصاد ایران دچار رکود تورمی است یا خیر؟ باید گفت اقتصاد ایران در حال حاضر دچار رکود تورمی نیست بلکه دچار انتقال منحنی عرضه به سمت چپ شده است. به چند دلیل مهم تابع عرضه اقتصاد به سمت چپ حرکت کرده است:

۱. پایین بودن نرخ سرمایه گذاری؛ طی سال های متوالی نرخ سرمایه گذاری که مهم ترین عامل تولید محسوب می شود از نرخ استهلاک پایین تر و موجودی سرمایه کاهش یافته است.
۲. تحریم؛ تحریم های اعمال شده، تامین مالی تجارت را بسته، یک اقتصاد باز را به یک اقتصاد بسته تبدیل و اصطکاک تامین مالی تجارت خارجی را در اقتصاد بسیار افزایش داده است.
۳. کاهش توان مالی دولت؛ طی چند سال اخیر توان مالی دولت به شدت کاهش یافته و دولت دیگر نمی تواند پیشران اقتصاد در پروژه های عمرانی باشد.
۴. مهاجرت نخبگان؛ مهاجرت نخبگان و اخیراً استارتاپ ها بنیه استعدادی کشور را ضعیف کرده است.

بر اساس مجموعه دلایل فوق، در حال حاضر اقتصاد ایران در شرایط رکود نیست. به لحاظ تئوریک رکود شرایطی است که تولید بالفعل به دلیل افت تقاضا از تولید بالقوه کمتر می شود. آنچه در شرایط فعلی در اقتصاد ایران شاهد هستیم، کاهش مستمر تولید بالقوه به ویژه طی دهه ۹۰ است. در نتیجه افت رشد اقتصادی ایران هم ناشی از مشکل سمت عرضه و نه سمت تقاضا است. وجود نرخ بهره منفی در یک اقتصاد نشانه رشد تقاضا است نه افت آن. در شرایط فعلی اقتصاد ایران که دچار رکود تورمی نیست، قراردادن مقام سیاست گذار پولی در معرض انتخاب کنترل تورم و رشد تولید، کار اشتباهی است زیرا با توجه به تجارب قبلی، در نهایت با توجه به غلبه کفه تولید بر تورم، منجر به تخصیص غیربهبینه منابع محدود می شود.

سیاست های پولی

عطف اشتباه سیاست های پولی با دیگر سیاست ها

اگر بخواهیم سیاست پولی را با سیاست های کلان مقایسه کنیم هیچ سیاستی مانند سیاست پولی رها نبوده و نیاز به هیچ گذرگاه یا گلوگاهی ندارد. هیچ سیاستی به اندازه سیاست پولی قدرت و ابزار انتقال سریع تورم به جامعه را ندارد. به محض ورود و افزایش بدهی به بانک مرکزی و منظور شدن آن در ترانزنامه این بانک و در نتیجه سازوکاری که اکنون اعمال می شود، تورم یکروزه به سبب هزینه خانوارها منتقل می شود. سیاست پولی، سیاست کلان و سیاست اعتباری سیاست خرد است، این دو سیاست مکمل هم بوده و جانشین هم نیستند، عطف کردن سیاست پولی به سیاست اعتباری صحیح نیست زیرا بانک مرکزی مسئول اعمال سیاست پولی است نه سیاست اعتباری خرد. در سیاست پولی هدف کنترل تورم است ولی در سیاست اعتباری تسهیل دسترسی به منابع مالی مدنظر است.

لنگر کردن تورم

نقش نرخ بهره سیاستی در کنترل تورم

مهم ترین جزء سیاست پولی و کنترل تورم این است که به منظور لنگر کردن نرخ تورم فردا، می باید امروز نرخ بهره افزایش یابد. بانک مرکزی، تورم فردا را برآورد کرده و در صورتی که از هدف تورمی بالاتر باشد، باید امروز نرخ بهره سیاستی (همان نرخ بهره شبانه بانک مرکزی در بازار بین بانکی) را افزایش دهد. اگر بانک مرکزی نتواند نرخ بهره مزبور را افزایش دهد، در این صورت در بازار بین بانکی با مازاد تقاضا مواجه خواهیم شد که ناشی از نرخ بهره فریز یا تثبیت شده و تقاضای پاسخ داده نشده است. تورم امروز اقتصاد ایران که سهم تورم تجارت پذیر آن بیشتر از تجارت ناپذیر است، چند ویژگی مهم دارد:

۱. تواتر بالایی دارد و تقریباً هر روز در کلیه اقلام کالایی سبب هزینه خانوار قابل مشاهده است در حالی که سایر اقلام هزینه ای تجارت ناپذیر مانند هزینه خدمات درمانی از تواتر افزایشی مشابه کالاها برخوردار نیستند.
۲. همبستگی تورم با نرخ ارز بالا، و رابطه علی میان آن ها از تورم به نرخ ارز است نه برعکس. همبستگی تورم و نرخ ارز نامتقارن است یعنی با افزایش نرخ ارز، تورم بالا می رود ولی با کاهش نرخ ارز، تورم کاهش نمی یابد.
۳. سهم تورم تجارت پذیر در دهک های پایین نسبت به دهک های بالا بسیار بیشتر است که در نهایت باعث افزایش نابرابری می شود.

منبع: برداشتی از اظهارات آقای دکتر فرهاد نیلی در سی امین همایش سیاست های پولی و ارزی - خرداد ۱۴۰۲